



## A study of the interpretive views of “Ma’it” in the verse “And She is the One Who has made us.”

Mohamad ebrahim nataj <sup>1</sup> ; Jalil Tari <sup>2</sup>

1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Payame Noor University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)  
[Mohamad.nataj@pnu.ac.ir](mailto:Mohamad.nataj@pnu.ac.ir)

2. Instructor, Islamic Studies Department, Payam Noor University, Tehran, Iran. [elahibzorg@pnu.ac.ir](mailto:elahibzorg@pnu.ac.ir)

### Abstract

In some cases, misunderstanding of the verses of the Quran and the distortion in understanding its true meaning and limiting knowledge to the apparent meaning of the verses leads to cognitive deviation of Muslims and sometimes leads to misunderstanding at the level of the principles of religion and even the essential and non-essential attributes of God Almighty. Therefore, although in a number of verses it is possible to be satisfied with the interpretation of the verses, in others it is necessary to go beyond interpretation and reach interpretation. In the Holy Quran, some verses have an interpretative and apparent meaning and some also have an esoteric and true meaning, which is called interpretation. One of these explanatory verses is the verse “4 of Surah Hadid”, which, according to the most important Shiite and Sunni commentators, has an interpretation and esoteric meaning in such a way that understanding it can lead those interested in Quranic truths to the semantic purpose of this verse and increase their knowledge of true monotheism and divine attributes and actions, and provide accurate knowledge to the audience. But so far, the interpretation of the verse “4 Surah Al-Hadid” has not been examined and criticized in the form of a short or long research; therefore, an attempt is made to present the views of Muslim scholars in the field of exegetical sciences, to evaluate the interpretative concepts around this verse, and to arrive at a correct view by comparing different views and criticizing and analyzing them. Therefore, the present study, which was written using an analytical-descriptive method, seeks to answer the question of what is the interpretation of the word “companion” in the above verse? According to Islamic commentators, this word has multiple interpretative meanings, the most important of which are examined in this study. It seems that all commentators whose views have been examined and studied in this article are opposed to “companion” and “physical and material companionship”, but they have many differences of opinion in interpreting “companion” as “God’s non-material companionship with His servants”.

**Keywords:** Interpretation, companionship, companionship of God, verse 4 of Hadid, material companionship, existential companionship

Received: 2025-11-10 ; Received in revised from: 2025-12-14 ; Accepted: 2025-12-21 ; Published online: 2025-12-21

◆ How to cite: ebrahim nattaaj,M. and Tari,J. (2025). A study of the interpretive views of "Ma'it" in the verse "And He is the One Who has made us. (e236729). *Quranic comentations*, (62-87), e236729  
doi: 10.22034/qc.2025.557735.1223



## بررسی دیدگاه های تائوئیلی «معیت» در آیه «و هو معکم این ما کنتم»

محمد ابراهیم نتاج<sup>۱</sup> ID، جلیل تازی<sup>۲</sup> ID

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) [Mohamad.nataj@pnu.ac.ir](mailto:Mohamad.nataj@pnu.ac.ir)

۲. مربی گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. [elahibzorg@pnu.ac.ir](mailto:elahibzorg@pnu.ac.ir)

### چکیده

در برخی موارد فهم نادرست از آیات قرآن و کجراهگی در درک مراد واقعی آن و محدود کردن شناخت به معنای ظاهری آیات، منجر به انحراف معرفتی مسلمانان می گردد و گاهی نیز به بدفهمی در سطح اصول دین و حتی اوصاف ذاتی و غیر ذاتی خدای متعال کشانده می شود. بدین جهت گرچه می توان در تعدادی از آیات به تفسیر آیات اکتفا کرد، اما در بعضی دیگر باید از تفسیر عبور کرده و به تائویل رسید. در قرآن کریم عده ای از آیات دارای معنای تفسیری و ظاهری و پاره ای نیز معنای باطنی و حقیقی دارند که از آن به تائویل نام برده می شود. یکی از این آیات تائوئیلی، آیه «۴ سوره حدید» است که به اتفاق مهمترین مفسران شیعه و سنی دارای تائویل و معنای باطنی است به طوری که فهم آن می تواند علاقه مندان به حقایق قرآنی را به هدف معنایی این آیه برساند و بر معرفتشان به توحید حقیقی و اوصاف و افعال الهی بیافزاید و شناختی دقیق به مخاطبین ارائه دهد. اما تاکنون تائویل آیه «۴ سوره حدید» در قالب یک پژوهش کوتاه یا بلند، مورد بررسی و نقد قرار نگرفته است؛ ازین رو تلاش می شود تا با ارائه دیدگاه اندیشمندان مسلمان در حوزه علوم تفسیری، حول محور این آیه مفاهیم تائوئیلی ارزیابی گردد و با مقایسه نظرات مختلف و نقد و تحلیل آنها به یک دیدگاه درستی دست. بنابراین پژوهش حاضر که با روش تحلیلی - توصیفی به نگارش در آمده است به دنبال پاسخ به این پرسش است که تائویل واژه «معیت» در آیه فوق چیست؟ این واژه از نظر مفسرین اسلامی دارای معنای متعدد تائوئیلی می باشد که مهمترین این دیدگاه ها در این نگاره مورد بررسی قرار گرفته است و به نظر می رسد همه مفسرینی که آرائشان در این نوشتار بررسی و مطالعه شده است با «معیت» و «همراهی جسمی و مادی» مخالفند، اما در تائویل «معیت» به «همراهی غیر مادی خدا با بندگان» اختلاف نظر فراوان دارند.

**کلیدواژه ها:** تائویل، معیت، همراهی خدا، آیه ۴ حدید، معیت مادی، معیت وجودی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۹ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۹/۲۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰

◆ استناد به این مقاله: ابراهیم نتاج، محمد و تازی، جلیل. (۱۴۰۴). بررسی دیدگاه های تائوئیلی «معیت» در آیه «و هو معکم این ما کنتم». *مطالعات تائوئیلی قرآن*، (۸۷-۶۲)، ۲۳۶۷۲۹. doi: 10.22034/qc.2025.557735.1223



## ۱. طرح مسئله

تأویل یکی از مسائل مهم علوم قرآنی است که در فهم درست آیات قرآنی و حتی احادیث معصومین نقش مهم و کاربردی دارد؛ یکی از مهمترین مباحث تأویلی در آیات قرآن مربوط به اوصاف و افعال الهی است که در برخی از آیات متشابه آمده است به طوری که معنای ظاهری آیات را با معنای باطنی آن بسیار متفاوت می گرداند. از ابتدای اسلام تاکنون دانشمندان اسلامی به ویژه متکلمین و مفسرین درباره تأویل آیات دیدگاه های مختلفی داشته اند و تلاش کرده اند تا به دام تشبیه و تجسیم نیفتند. از سوی دیگر به نظر می رسد تأویل مسئله ای بین رشته ای میان علم تفسیر، کلام و حکمت اسلامی است که در علوم قرآنی مورد بررسی قرار می گیرد و تقریباً همه گروه ها و فرقه های اسلامی در همه یا برخی از آیات متشابه ناگزیر به تأویل شده اند (غزالی، ۱۳۸۱: ۸۵) پس از ظهور اسلام پویایی دین اسلام مبتنی بر آموزه های قرآنی، و رشد علم کلام و فلسفه اسلامی و استعمال واژگان تأویلی در قرآن مسیر را برای تأویل برخی از آیات قرآنی گشوده است تا اهل معنی بتوانند با درک درست آیات قرآنی شناخت معرفت خویش را تعمیق بخشند. حدوداً از اواخر قرن سوم واژه «تأویل» برای بیان معنای آیات بکار می رفته است و تقریباً از یک قرن بعد واژه تفسیر جایگزین آن شده است. (الیاده، ۲۰۰۵: ۱۴).

درباره آیه مورد پژوهش در این نوشتار «حدید/۴» غیر از بررسی و اشاراتی کوتاهی در کتب تفسیری در طول قرن ها نگاشته شده است، تا کنون کتاب یا مقاله ای جداگانه در بررسی این آیه به نگارش در نیامده است. بر اساس آنچه که گفته شد پژوهش حاضر به دنبال این پرسش ها است که آیا واژه معیت و همراهی خدا با بندگان در آیه «۴ سوره حدید» معنای ظاهری خود را دارد؟ و باید در این مورد قائل به تجسیم شد؟ و یا آنکه دارای معنای باطنی و تأویل در معنی است؟ و اساساً دیدگاه مفسران شیعه و سنی در این مسئله چیست؟ البته روشن است که بررسی معنای تأویلی این آیه علاوه بر روشن شدن معنای واقعی آیه برای مخاطبان و علاقه مندان به تفسیر و تأویل آیات، بر انطباق معنای باطنی این آیه با معرفت عمیق به خدا پیوندی محکم ایجاد می نماید؛ بدین صورت که بر اساس معرفت مطابق با واقع، خدا محدود و جسمی نیست، پس با تبیین غیر جسمی و غیر مکانی بودن معیت خدا با بندگان و بلکه معیت ذاتی، وجودی و غیر مادی خدا با بندگان، معنی و تفسیر این آیه به وضوح مشخص و بر معرفت توحیدی اهل ایمان افزوده خواهد شد. از سوی دیگر

چون حق تعالی از همه جهت بر بندگان احاطه دارد، ممکن است همراهی خدا با بندگان دارای ابعاد و جنبه‌های مختلفی باشد که در دیدگاه‌های تأویلی این آیه بیان خواهد شد. بر این اساس عده زیادی از مفسرین جهان اسلام تلاش کرده‌اند تا تأویل درستی از این آیه بیان نمایند؛ ازین رو ما در پژوهش حاضر به برخی از مهمترین تأویلات اشاره خواهیم کرد، زیرا تاکنون پژوهش مدوئی از تفاسیر تأویلی این آیه نگارش نشده است، بنابراین تلاش می‌گردد در این پژوهش به این سوال پاسخ داده شود که آیا واژه «معکم» در آیه «۴ سوره حدید» معنایی ظاهری و لفظی دارد؟ و یا اگر دارای معنایی غیر ظاهری است به کدام معنی باطنی تأویل برده می‌شود؟ به نظر می‌رسد واژه «مع» در آیه بر اساس اجماع مفسرین معنای تأویلی دارد، اما میان مفسران اعم از شیعه و سنی اختلاف نظرهایی وجود دارد که به مهمترین آن ذیل اقسام چهارگانه اشاره خواهیم کرد.

## ۲. تأویل به ذات الهی

### ۲-۱. تأویل معیت به احاطه ذاتی

ذات خدا وجودی بسیط، نامتناهی و منزّه از هرگونه قید و حدّ است. به عبارت دیگر، خداوند متعال، وجودی است که عین وحدت است و هیچگونه کثرتی در او راه ندارد. صفات الهی نیز عین ذات او هستند و هیچگونه جدایی بین ذات و صفات وجود ندارد. ذات الهی با این ویژگی‌ها همراه اشیاء و موجودات مادی نمی‌تواند باشد زیرا خدا حضور جسمی، مکانی و یا آمیزشی با مادیات ندارد، بلکه خداوند به عنوان خالق هستی بخش با همه موجودات بویژه مادیات رابطه دارد و این موجودات هستند که در تحققشان به خدا وابسته‌اند. بر این اساس نویسنده کتاب «البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید» می‌نویسد: «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ بِالْعِلْمِ وَالْقُدْرَةِ وَالْإِحَاطَةَ الذَّاتِيَّةَ»؛ بنابراین معیت در این آیه را معیت و احاطه ذاتی می‌داند. (ابن عجبیه، ۲۰۱۰م: ۳۰۹/۷) و چون علم و قدرت از صفات ذات است احاطه نیز ذاتی می‌باشد. چون این صفات عین ذات خدا هستند. (طباطبایی، ۱۳۹۳ش: ۹۰/۶) این تأویل میان تأویلاتی که در آینده بدان اشاره می‌گردد بهترین تأویل است، زیرا تنها ارتباط و همراهی خدای متعال با بندگان خود فقط از طریق افاضه و احاطه وجودی است؛ بدین سبب که تمام هستی انسان‌ها از خالق هستی است و علاوه بر اینکه خدای متعال مالک وجود محدود بندگان خویش است،

بلکه خود دارای وجودی نامتناهی است که بر کل عالم هستی هیمنه، سیطره و احاطه ذاتی دارد.

## ۲-۲. تأویل به معیت وجودی

حق تعالی به موجودات احاطه (حضوری وجودی) دارد و در هیچ مکان و پوششی از او غایب نیست. در اینجا سؤالی پیش می‌آید، و آن این است که خدای تعالی در هر حال بر ما احاطه دارد و در هر زمان و مکان محیط به ما است، با این فرض چرا تنها مساله مکان آمده، و چرا نفرمود: و هو معکم اینما کنتم و فی ایّ زمان و ایّ حال کنتم - او با شما است هر جا و هر زمان و در هر حال که باشید؟ در پاسخ می‌گوییم: درست است که احاطه خدای تعالی به ما تنها احاطه مکانی نیست، (بلکه احاطه فرامکانی و فرا زمانی است) و در همه احوال و اوقات به ما احاطه دارد، لیکن از آنجایی که معروف ترین ملائک در جدایی چیزی از چیزی دیگر و غایب شدنش از آن، جدایی مکانی است، و هر کس بخواهد از کسی دیگر جدا شود، مکان خود را عوض می‌کند، از این جهت تنها معیت مکانی را ذکر کرد (زیرا بیان غیبت مکانی جهت ظاهرترین و بارزترین مصداق غیبت است)، و گرنه نسبت خدای تعالی به مکانها و زمانها و احوال يك نسبت است. (طباطبایی، ۱۳۷۸ ش: ۱۹/۲۵۵) مولف کتاب «التأویلات النجمیه فی التفسیر الإشاری الصوفی» نیز معیت را در آیه فوق به «احاطه وجودی» می‌داند و می‌گوید: «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ» (الحدید/۴) یعنی «وجودکم مستفاد من نظر وجودیتهم» وجود شما از ملاحظه وجود او حاصل شده است. (نجم الدین کبری، ۱۳۸۸ ش: ۶/۹۱) یعنی حیثیت و جوی موجودات عوالم هستی به خصوص انسان ها از حیث وجود خداست و با نبود وجود الهی انسانها و بلکه همه موجودات وجود نخواند داشت. پس معیت الهی به معیت وجود خدا با ممکنات تأویل برده می‌شود. برخی دیگر نیز این معیت را به همراهی حضوری و وجودی و جمعی خدا به موجودات تأویل برده اند. (صالح، بی تا: ۱۱/۳۸۱) همچنین صالح می‌نویسد: «وَهُوَ مَعَكُمْ... و هو حاضر معکم. و الظرف يدل على الاجتماع والمصاحبة متعلق بخبر «هو»» (همان)

برخی نیز اساسا اعلام نظر و قضاوت خاصی نکردند و فقط گفتند حمل بر ظاهر نمی‌شود بدین معنی که در هر حال این واژه «معکم» باید به تأویل برده شود اما به طور دقیق به تأویل خاصی اشاره نکرده اند. در تفسیر البسیط آمده است: «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ و لا يجوز إجراؤه على الظاهر حتى يعتقد أنه مع كل واحد في مكانه وجهته وإذا جاء التأويل في بعض جاز في الكل». (واحدی، ۱۴۳۰ ق: ۲۱/۲۷۷)

و اینکه برخی از مفسران معیت را به احاطه شهودی می دانند در واقع به معنی احاطه وجودی است، زیرا هر جا وجود الهی باشد، شهود الهی هم هست، زیرا همه عالم هستی به ویژه بندگان خدا نیز در محضر و مشهد الهی هستند. (وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ)؛ جمله حال و بیان معیت قیومیه و احاطه شهودی آفریدگار نسبت به بشر است از نظر اینکه به هر کجا که بشر رو آورد از حیطة شهود پروردگار خارج نخواهد شد و رابطه تعلق محض بشر به ساحت کبریائی گسسته شده و از شهود او پنهان نخواهد گشت. و مبنی بر تفسیر استواء بر عرش امکانی است و محصول استیلاء بر عرش و نظام جهان احاطه شهودی پروردگار بر بشر است. (حسینی همدانی، بی تا: ۱۶/ ۱۵۷)

روایاتی هم نقل شده است که بر احاطه وجودی خدا بر بندگان خود دلالت دارد، چون خدا نامحدود است و در هر مکان و زمانی حضور دارد، این حضور، حقیقی و وجودی است؛ لذا در حدیثی از پیغمبر گرامی اسلام ﷺ نقل شده است که فرمود: «ان من افضل ایمان المرء ان یعلم ان الله تعالی معه حیث کان» (کنز العمال: خطبه ۶۶). یعنی برترین مرحله ایمان انسان این است که بداند هر جا باشد خدا با او است. در حدیث دیگری می خوانیم که موسی ع عرض کرد: این اجدک یا رب؟ «کجا تو را بیابم ای پروردگار؟» قال: یا موسی اذا قصدت الی فقد وصلت الی! خطاب آمد که ای موسی هر زمان اراده من کنی به من رسیده ای. اصولاً این «معیت» (همراه بودن خدا با بندگان) به قدری ظریف و دقیق است که هر انسان متفکر و مؤمنی به مقدار اندیشه و ایمانش آن را درک می کند و از عمق آن با خبر می گردد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳/ ۲۳) گستره وجودی خدا و اوصاف او سبب می شود تا بنده هرگاه اراده جدی کند خدا را بیابد و در محضر او باشد. این خود معیت دائمی با خدا را برای بندگان فراهم می کند.

### ۱-۳. تأویل معیت به معنی علو و برتری خدا

خداوند به دلیل توفیق و علو وجودی، معیت علمیه و احاطه علمی بر تمام جوانب و زوایای وجودی و حیاتی بندگان دارد. طبری در جامع البیان می گوید: (وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ). یَقُولُ: وَهُوَ شَاهِدٌ لَكُمْ أَيْهَا النَّاسُ أَيْنَمَا كُنْتُمْ يَعْلَمُكُمْ، وَ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ، وَ مَتَقَلَّبَكُمْ وَ مَثَوَاكُمْ، وَ هُوَ عَلَى عَرْشِهِ فَوْقَ سَمَاوَاتِهِ السَّبْعِ)، وی در تأویل این آیه می گوید: (او با شماست هر جا که باشید. می فرماید: و او گواه بر شماست ای مردم، هر جا که باشید. او شما را می شناسد و از اعمال و حرکات و محل استراحت شما آگاه است و او بر عرش خود بر فراز

هفت آسمانش قرار دارد. (طبری، ۱۴۲۲ق: ۲۲/۳۸۷)

در تفسیر نمونه در تأویل معیت الهی با بندگان خود آمده است؛ معیت الهی با انسان ها نه یک «مجاز و کنایه» بلکه یک «حقیقت» است که مسئولیت انسان ها را بیشتر می کند. خواستگاه احاطه و معیت خداوند بر بندگان؛ نیاز و اتکا بندگان به خدا، علو و برتری خدا بر بندگان و علم خدا بر بندگان می باشد و او همه جا حاضر و ناظر و مراقب است. این اعتقاد بزرگترین درس تربیت و ریشه اصلی تقوی و پاکی و درستکاری و هم رمز عظمت و بزرگی اوست. و نیز به بیان پیامبر اسلام ﷺ نشان از بالاترین درجه ایمان یک انسان است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ۲۳/۳۰۳) زیرا علم به اینکه خداوند متعال از نظر وجود، علم، حکمت و ذات بر دیگران علو و برتری دارد و موجودات ممکن را با خدا نتوان مقایسه کرد و قدرت مطلق خداوند بر همه ممکنات سیطره دارد و هیچ کس را توان مقابله با او را نباشد، این علو و برتری به معنی پیروزی کامل و توفیق بی نهایت خالق هستی بر کل عالم وجود است و معرفت به آن نیز سبب تعالی ایمان به خدای یگانه می گردد. علو و برتری خدا بر بندگان به دلیل احاطه ذاتی و وجودی خدا بر بندگان است که معیت خدا را نسبت به بندگان محیا می سازد و در واقع معیت به معنای علو و برتری ذیل همان معیت ذاتی تفسیر می گردد.

### ۳. تأویل به صفات الهی

#### ۳-۱. تأویل معیت به قیومیت الهی

در آیه چهار سوره حدید، همراهی خدا با ممکنات به همراهی قیومی تأویل برده می شود. قیوم بودن خدا به معنی این است که خدا به ذات خود قائم است به این معنی که خودش موجود است و به هیچ چیز دیگری وابسته نیست، بکه همه موجودات به او نیازمند و وابسته اند؛ بنابراین قیومیت الهی به این است که امور خلق و تدبیر عالم در همه حال قائم و پاینده به اوست و خداوند متعال مبدا و تکیه گاه همه موجودات است و بی او هیچ موجودی محقق نخواهد شد و بقا و دوام همه عالم به اوست. بر این اساس معیت خدا را می توان به قیام موجودات به خدا تأویل برد.

در قرآن کریم در سه آیه واژه «قیوم» آمده که در کنار واژه حی بکاربرده شده است. قیوم اسمی از اسماء الله است که به معنی «قائم به تدبیر خلق» اعم از أجل، روزی و اعمال آمده است. (طوسی، ۱۳۸۳ق: ۲/۳۰۷ و طبری، ۱۴۰۵ق: ۳/۱۶۴). صاحب کتاب «مخزن العرفان فی تفسیر القرآن» در تأویل آیه کریمه «و

هو معکم این ما کنتم» معتقد است مراد از «مع» معیت قیومیه است، و معیت قیومیه یعنی وجود خدا مقوم و محیط بر وجود ممکنات است و در واقع قوام موجودیت ممکنات از اوست. از نظر وی کسی آگاهی به این معیت علمی ندارد، مگر راسخون در علم که بنور بصیرتشان و صفای قلبشان مشاهده می‌نمایند (امین اصفهانی، ۱۳۶۲ش: ۱۱۹/۱۳) به طوری که موجودیت اشیاء عبارت از انتساب و ارتباط آنها به موجود حقیقی است و وجود موجودات، وجود ربطی و ظلّی است، بلکه بمعنی لطیف‌تر می‌توان گفت؛ وجود ممکنات عین ربط اند به قیوم تعالی و قوام وجود آنها به مبدء آفرینش است، زیرا که ممکن از حیث ذات و حقیقتش خالی از وجود است و وجود زائد بر او است؛ پس وجود، نسبت بحق تعالی ذاتی و عین ذات او است و نسبت به ممکن عرضی است و همچنین هر کمالی و جمالی و بهایی که در ممکنات دیده می‌شود ترشّحی است که از سرچشمه فیض رحمت رحمانی حق تعالی صادر گردیده و به ممکن رسیده یعنی همه صادر از او، و حق تعالی محیط بر اشیاء و مقوم وجود آنها است. اما باید دانست که معیت او همانند معیت جسم با جسم دیگر و عرض با موضوعش و صورت با مادّه‌اش و صفت با موصوفش و امثال اینها نیست، زیرا که ارتباط بین واجب و ممکن بحال و محلّ نیست، بلکه حقیقت حق تعالی، اجلّ و اعلی از آن است که حال در غیر یا ممزوج یا متحد بغیر گردد، بلکه وجود ممکن در مقابل وجود واجب هیچ می‌نماید. و قیام موجودات به مبدء شبیه قیام ظلّ است به ذی ظل خود. (همان) سلطان علی شاه در کتاب «بیان السعاده فی مقامات العباد» در تفسیر آیه «و هو معکم این ما کنتم» می‌گوید معیت در این آیه، قیومیه ای است که لازمه رحمت فراگیر رحمانیه می‌باشد؛ زیرا حق تعالی، به واسطه وجود فعلی اش، هستی همه چیز، جوهر و اثر آنها، آغاز و انجام و ظاهر و باطن آنهاست. بر این اساس این آیه می‌تواند هم تهدید (وعید) و هم تشویق (وعده) باشد. (سلطان علی شاه، ۱۴۰۸ق: ۱۴/۱۴۴) بنابراین معیت قیومیه؛ بر اساس رحمت رحمانیه برای همه بندگان و بر اساس رحمت رحیمیه برای بندگان خاص در تمام نشأت است؛ «کذک و منه قیومیا هو معکم بحقیقه مطلقه، رحمانیه للکل و رحیمیه للبعض این ما کنتم فی نشأتکم». (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق: ۱/۵۳۸ و شنقیطی، ۱۴۲۷ق: ۷/۵۲۸)

### ۲-۳. تأویل معیت به احاطه با قدرت و نصرت

احاطه قدرت و نصرت الهی به معنی احاطه تام و شمول کلی حق تعالی بر همه موجودات و امور عالم هستی است. به طوری که هیچ چیزی از حیطة قدرت و

نصرت الهی خارج نیست، بلکه قادر و ناصر مطلق موجودات خداست. و تمام ممکنات و حوادث از مجرای قدرت، سلطه و نصرت الهی ظهور می یابند و بدون یاری و اراده الهی تحقق نمی یابند. این قاعده از عوالم غیب شروع و تا جهان شهود ادامه می یابد؛ بنابراین یکی از تأویلات معیت می تواند همراهی خدا به نصرت و قدرت باشد. (مرغای، ۱۴۳۵ق: ۲۸/۳۴) بر اساس کتاب «الکشف و البیان فی تفسیر القرآن» فخر رازی در تأویل معیت می نویسد: «وَهُوَ مَعَكُمْ بِالْعِلْمِ وَالْقُدْرَةِ» (تعلی، ۱۴۲۲ق: ۲۳۱/۹) همانطور که نویسنده کتاب «الأساس فی التفسیر» بر آن تأکید دارد. (حوی، ۱۴۲۴ق: ۱۰/۵۷۳۶) یعنی همراهی خدا با بندگان خود همراهی فیزیکی و مادی و یا با امور دیگر نیست، بلکه چون خدا نسبت به بندگان خود نوعی احاطه و سلطه دارد و همه نصرت ها و یاری ها از خداست پس خدا همواره همراه بندگان خود می باشد. اما کاشانی در تفسیر کبیر منهج الصادقین خود، «معیت» را به دو قسم مطرح می کند و می گوید: معیت علم و قدرت برای همه بندگان و معیت فضل و رحمت رحیمیه برای بندگان خاص الهی است. وی می گوید: «وَهُوَ مَعَكُمْ»، او با شما است با «علم و قدرت عموماً و بفضل و رحمت خصوصاً». البته «أَيْنَ مَا كُنْتُمْ» یعنی هر جا که باشید، چون معیت علم و قدرت او به هیچ حال از شما منفک نیست، پس هیچ چیز از احوال و اعمال شما بر او مخفی نخواهد بود. (کاشانی، ۱۳۳۶ش: ۱۶۸/۹) همانطور که فیض کاشانی در کتاب تفسیر خود می گوید: «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ فَلَا يَنْفَكُ عِلْمُهُ وَقُدْرَتُهُ عَنْكُمْ بِحَالٍ». (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق: ۲/۱۲۶۴) پس علم و قدرت و نصرت، ارتباط دائمی و همیشگی وجودی با مقدور، معلوم و منصور خود دارد. فخر رازی در جلد ۲۹ کتاب خود «مفاتیح الغیب» در تأویل معیت الهی در آیه «و هو معکم این ما کنتم» می نویسد: همراهی پروردگار با بندگان خود به اقتضای حضور خدا بین ذات و وجود ممکنات و حافظیت الهی و معیت علمی خداست، پس به خاطر «قدرت» و آفرینش او و کمک و اعانه او بر ماست. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۲۹/۴۴۸)

### ۳-۳. تأویل معیت به لطف و رحمت الهی

خداوند همانند رحمت خود دارای دو نوع لطف است؛ لطف عام و لطف خاص. اولی فضل و رحمت فراگیر است که شامل همه موجودات و ممکنات می گردد، اما دومی شامل عنایت به بندگان خاص و ویژه می گردد. لطف خاص الهی درجات و مراتب بسیار بالایی نیز دارد که بندگان خاص الهی برای رسیدن به آن باید تلاش فراوانی در مراقبات و اعمال صالح انجام دهند. ازین رو

طنطاوی مفسر اهل سنت در تأویل آیه ذیل می گوید: «و قوله سبحانه: وَهُوَ مَعَكُمْ أَيَّنَ مَا كُنْتُمْ أَي: و هو معکم بلطفه و رحمته.. اینما کنتم و حیثما وجدتم» یعنی؛ خدا فرمود: او با شماست هر جا که باشید، یعنی او با شماست با لطف و رحمتش... هر جا که باشید و هر جا که خود را بیابید. (طنطاوی، ۱۹۹۷م: ۱۱۴/۱۹۹) در واقع «لطف الهی» به معنای اعمال فضل، رحمت و مدارا توسط خداوند متعال نسبت به بندگان است. این لطف شامل بخشش گناهان، اعطای نعمات، هدایت و شفاعت در روز قیامت است. این لطف الهی، نه به دلیل شایستگی انسان، بلکه به لطف و رحمت خداوند است، و نه به دلیل صرفا اراده و اعمال نیک انسان، بلکه به دلیل رحمت و رأفت خداوند متعال می باشد. به عبارت دیگر، لطف الهی یک جایزه نیست، بلکه یک هدیه است که خداوند به بندگان می دهد. این لطف شامل موارد مختلفی مثل رفع سختی ها، آسان کردن کارها، اعطای علم و حکمت، و اعطای نعمات مادی و معنوی می شود؛ ازین رو این لطف الهی به عنوان یک وجه مهم از صفات و اسماء حسنی خداوند مطرح می شود.

### ۳-۴. تأویل معیت به علم الهی

شناخت علم الهی و اقسام آن بویژه علم او به مخلوقات از بحث های مهم و مشکل در مسئله خداشناسی است. تردیدی وجود ندارد که حق متعال دارای علم به بندگان خود است و این علم، تفصیلی و با تمام جزئیات خود می باشد؛ (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۱۷ق: ۱۲۵/۷) زیرا «کلید های غیب تنها دست اوست» (انعام/۵۹) البته این علم عین معلول است. (ملاصدرا، بی تا: ۳۸۴/۶) خداوند با این علم خود بر همه بندگان، موجودات و کل عالم هستی احاطه دارد. ازین رو سیوطی در تأویل (و هو معکم) از پیامبر ﷺ روایت کرده است که مردم پیوسته از همه چیزی می پرسند تا اینکه می گویند: خدا قبل از هر چیزی بوده است، پس قبل از خدا چه بوده است؟ اگر این را به شما گفتند، بگویند: او اول، قبل از هر چیزی است و او آخر است، پس چیزی بعد از او نیست، و او آشکار و برتر از هر چیزی است، و او پنهان و پایین تر از هر چیزی است، و او به هر چیزی داناست. به نظر می رسد این عبارت بر تلازم احاطه وجودی و احاطه علمی تاکید دارد، زیرا علم از صفات ذاتی خداست و تا هر جا مرز وجودی خدا باشد و گستره هستی او ادامه داشته باشد علم او نیز گسترده است. (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۱۷۱/۶) «ابن جزی» نیز معیت در این آیه را به احاطه و حضور علمی تأویل برده و برای این نوع از نگرش خود به آیه، ادعای اجماع نیز کرده است.



عنه أينما كانوا،.... وأخرج البيهقي في الأسماء والصفات عن ابن عباس أنه قال فيها: عالم بكم أينما كنتم. وأخرج - أيضا - عن سفیان الثوري انه سئل عنها فقال: علمه معكم. وفي البحر: أنه أجمعت الأمة على هذا التأويل فيها. (يعنى آلوسی گفته است: فرموده سبحان الله: و او با شماست هر جا که باشید، مثالی است از علم فراگیر او به آنها و تصویری است از اینکه او آنها را در هر جا که باشند، رها نمی‌کند.... بیهقی (نیز) در «الاسماء والصفات» از ابن عباس روایت کرده است که در مورد آن گفته است: «می‌داند تو را هر جا که باشی». او همچنین از سفیان ثوری روایت کرده است که از او در مورد آن پرسیده شد و او گفت: علم او با شماست). (طنطاوی، ۱۹۹۷م: ۱۴/۱۹۹) همانطور که در تفسیر الجلالین آمده است. (محلّی، ۱۴۱۶: ۵۴۱/۱) اما اگر معیت الهی با بندگان به همراهی و تسلط علمی الهی تأویل شود باید دانست که هیچگاه علم خدا از قدرت الهی منفک نیست، پس معیت به علم و قدرت با هم است. همانطور که در تفسیر صافی آمده «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ لَا يَنْفَكُ عِلْمُهُ وَقَدْرَتُهُ عَنْكُمْ بِحَالٍ». (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۵/۱۳۲) و نیز در کتاب «تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب» آمده «لَا يَنْفَكُ عِلْمُهُ وَقَدْرَتُهُ عَنْكُمْ بِحَالٍ». (قمی مشهدی، ۱۴۱۱ق: ۱۳/۷۹)

بعضی از مفسرین هم که معیت را مجازی دانسته اند، منظورشان از آن احاطه علمی است. (طباطبایی، ۱۳۷۸ش: ۱۹/۲۵۵) برخی نیز معیت و احاطه علمی خدا بر بندگان را صرفا محدود به علم به خفیات و اسرار بندگان کردند. به عنوان مثال صاحب کتاب متشابه القرآن می گوید: «المراد بها (معیت) الإخبار عن كونه سبحانه عالما أبدا بخفي أحوالنا وأسرارنا» (ابن شهر آشوب، بی تا: ۶۵/۱)

### ۳-۵. تأویل معیت به خلاقیت الهی

خلاقیت الهی از اوصاف الهی است و بیانگر نیروی نامحدود الهی در ایجاد و نوآوری در خلقت می باشد. این صفت تمام آفرینش الهی را در برمی گیرد به طوری که در وجودشان این صفت الهی تجلی می بخشد؛ بر اساس خلاقیت الهی، آفرینش از عدم خلق می گردد و نوعی ابداع و تولید در آفرینش نهفته است که تنها به خداوند تعلق دارد، البته انسان ها و برخی حیوانات هم در حد سعه وجودی خود از خلاقیت بهرمنند هستند و نوآوری هایی را در محدوده وجودی خود دارد و صفتی است که خداوند جهت تکامل انسان ها در نهاد آنها به ودیعه گذاشته است تا او را جانشین خود در زمین گرداند. نویسنده کتاب «الفرقان فی

تفسیر القرآن بالقرآن و السنه» در تأویل آیه ۴ حدید می نویسد: «معیت و همراهی با انسان قبل و بعد از وجود مادی انسان و نیز در تمام نشأت وجودی انسان در عوالم هستی. این همراهی و معیت به علم، حفظ و «خلاقیت» در وجود انسان هاست» (صادقی تهران، ۱۴۰۶ق: ۲۲۸/۱۲۵) بر اساس این دیدگاه خلاقیت خدا از عالم عقل تا عالم ماده نقش آفرینی می کند و هر موجودی را بر اساس ویژگی های آن و بر اساس صفات نشئه خاص متعلق به آن موجود، نوآفرینی، ابداع و خلق می کند. در بین خلاقیت و خلق الهی تفاوت های ظریفی وجود دارد که باید در مقالات پژوهشی مرتبط بررسی گردد.

### ۳-۶. تأویل معیت به وکیل بودن الهی

خدای متعال خالق همه موجودات است و زمام همه امور دست اوست بنابراین او حافظ و مکفایت کننده همه است و وکیل حقیقی همه به ویژه انسان ها اوستو تدبیر امور و مراقبت از انسان ها نیز بر عهده خدای متعال است و در همه امور اعم از تکوینی و تشریحی نیز تکیه گاه آدمیان خدا است.

بر اساس دیدگاه برخی از مفسرین «معیت» به وکیل بودن الهی برای بندگان تأویل برده شده است. عبدالقادر آل غازی می گوید: «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيَّنَ مَا كُنْتُمْ أَي يَكُونُ لَيْلِ نَهَارِ صَبَاحِ مَسَاءِ أَيْ قَاطِبًا وَ نِيَامًا» خداوند همراه شماست تا وپیش آن است که خدا وکیل شما در هر شب و روز و در هر حال از خواب و بیداری است. (آل غازی، ۱۳۸۲ق: ۶/۳) صاحب کتاب «محاسن التأویل» نیز معیت الهی را به معنی حافظ و وکیل بودن خدا بر بندگان تأویل می برد. وی می نویسد: (إِنَّ اللَّهَ مَعَكُمْ أَي بِالْحِفْظِ وَالْكَلاَةِ. وَلِذَلِكَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِيمَا أَخْبَرَ عَنْ نَبِيِّهِ «إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا» (التوبة/۴۰) (قاسمی، ۱۴۱۸ق: ۹/۱۳۸) اما لفظ «وکیل» در قرآن کریم ۲۴ بار وارد شده و در ۱۴ مورد، وصف خداوند متعال قرار گرفته است. (سبحانی، ۱۳۷۶ش: شماره ۱۲) صاحب تفسیر المیزان می نویسد: اینکه انسان خدای تعالی را وکیل بگیرد، به این است که آدمی تمامی امور را از آن خدا و به دست او بداند، اما در امور خارجی و حوادث عالم، به این است که نه برای خودش و نه برای هیچ يك از اسباب ظاهری، استقلال در تاثیر قائل نباشد، چون در عالم وجود، هیچ مؤثری به جز خدا وجود ندارد، و در نتیجه داشتن چنین اعتقادی، در احوال مختلف؛ رضایت، خشم، مسرت، تاسف و غیره، دل به هیچ سببی نبندد، بلکه در مقاصد و آرزوهایش متوسل به آن سببی شود که خدای تعالی معرفی کرده است، آن هم نه به طوری که برای آن سبب استقلال در تاثیر قائل باشد و بدان مطمئن گردد، بلکه ظفر یافتن به مطلوب را از خدا بداند، تا هر چه خدا برایش

صلاح دانست اختیار کند. (طباطبایی، ۱۴۰۲ق: ۲۰/ ۱۰۳) البته باید توجه نمود که اگر وکالت های عرفی به معنی نائب گیری و یا اعتماد به دیگری است، ولی وکیل گرفتن خدا، معنایی بالاتر از این دارد و آن واگذاری کار به او است به هر صورتی که بخواهد، و به همین جهت می فرماید: (وقالوا حسبنا الله ونعم الوکیل) (آل عمران/ ۱۷۳) وکالت خدا به تنهایی بدون کوچکترین ناتوانی و نیاز به دیگران انجام می گیرد، چون دانتر و توانمند تر از همه است، چنان که می فرماید: (و کفی بربک وکیلا) (اسراء/ ۶۵). اما از آنجا که وکیل پیوسته حافظ منافع موکل است، گاهی به مناسبتی در معنی «حفیظ» نیز به کار می رود چنان که می فرماید: (الله حفیظ علیهم و ما انت علیهم بوکیل) (شوری: ۴۱).

### ۳-۷. تائویل معیت به تدبیر الهی

به نظر می رسد تدبیر الهی به معنی برنامه ریزی و مدیریت الهی امور جهان و انسان است. به عبارت دیگر، تدبیر الهی به این معناست که خداوند، حکیمانه و از روی علم و آگاهی، امور عالم را به بهترین شکل ممکن اداره می کند و برای هر پدیده و رویدادی، برنامه ای دقیق دارد. اما در اصطلاح قرآنی تدبیر الهی بدین معناست که خداوند، خالق و مدبر جهان است و تمام امور عالم با اراده و خواست او رقم می خورد. چنین تدبیری شامل همه جوانب هستی، از جمله خلقت، رزق، مرگ و میر، و همچنین حوادث و اتفاقات زندگی انسان ها می شود. در آیه مورد بحث (حدید/ ۴) همراه بودن خدا با بندگان، در واقع همراهی و معیت به معنی تدبیر و چاره جویی برای امور بندگان و به صورت عموم برای همه موجودات در هر زمان و مکان است. بدین معنا که خداوند برای هر چیزی در عالم، طرح و برنامه ای ویژه دارد و تمام اتفاقات، حوادث و وقایع با توجه به حکمت و مصلحت الهی رخ می دهد و پیش می رود. صاحب کتاب «التفسیر القرآنی للقرآن» می گوید: «قوله تعالی؛ وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ - اشاره إلى أنه سبحانه مع سعة هذا الملك، هو موجود بعلمه و قدرته و تدبیره، فی كل مكان منه، و فی كل ذره فیه (خطیب، ۱۴۲۴ق: ۱۴/ ۷۴۸)

### ۳-۸. تائویل معیت به وعید الهی

در قرآن کریم واژه «وعید» شش مرتبه به کار برده شده است و انسان ها را از تحقق وعیدهای الهی بیم داده و برای کسانی که وعید الهی را جدی نگرفته اند عاقبت بدی برایشان رقم زده است. در برخی از این آیات وعیدهایی نسبت به کفار (مدثر/ ۸)، منافقین (مائده/ ۴۱)، بنی اسرائیل (اعراف/ ۱۷۶) و کم

فروشان (مطففین/۷) بیان شده است. بنابر برخی تفاسیر سوره (حدید/۴) نیز ناظر به وعید الهی به بندگان خود است و به این معنی تأویل برده می شود. معیت به معنای وعید از سوی خدا به این صورت است که اعمال طاغیان، عاصیان و ظالمان نزد خدا محفوظ و مورد محاسبه و معاقبه است. مغنیه می نویسد: (وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ، هذا تهديد و وعيد لكل طاغ و باغ بان أعماله محفوظة عند الله، و أنه مرتهن بها و محاسب عليها حسابا دقيقا و عسيرا، و معاقب بعذاب و بيل و أليم). خدا با شماست هر کجا که باشید، و خدا به آنچه انجام می دهید بیناست. این تهدید و هشدار است برای هر ظالم و ستمگر به اینکه اعمالش نزد خدا ثبت است، و آنها در گرو اعمالشان هستند و با حسابرسی دقیق و شدید، از آنها حسابرسی خواهد شد، و به عذابی سخت و دردناک مجازات خواهد شد. (مغنیه، ۱۴۲۴ق: ۷/۲۳۹) بنابر این تأویل بیان معیت الهی در آیه اشاره به جنبه عذاب الهی و هشدار به اهل معصیت است تا در دنیا مراقب اعمالشان باشند و دست از عاصیان و ظلم بردارند.

#### ۴. تأویل معیت به افعال الهی

##### ۴-۱. تأویل معیت به قرب الهی

قرب الهی به معنای این نیست که خدا از حیث مکان و زمان به موجودات و یا انسان ها نزدیک است، زیرا مکان و زمان محدود، معلول و مخلوق خالق یکتاست و اساسا خدا نسبت پذیر نیست تا محدود به نسبت زمان و مکان با اشیاء دیگر گردد. بلکه قرب الهی در واقع قرب وجودی خدا به بندگان خود است که بر اثر مجاهدت های معنوی و تکامل در جهت لقاء الهی برای بندگان حاصل می گردد تا مورد عنایت خاص پروردگار قرار گیرند به طوری که شاهد نزدیکی درونی خود به خدا می شوند و احساسات و ذهنیات و حالات درونی خود را هم رنگ با خدا می بینند و خدا را با شهود قلبی خود مشاهده می کند. بر اساس آنچه که گفته شد معیت در آیه می تواند به معنی قرب وجودی تأویل برده شود، زیرا خدا اصل و جوهر ماده است و بر این اساس به همه موجودات قرب وجودی دارد؛ ازین رو صاحب کتاب «التفسیر الصوفی الفلسفی للقرآن الکریم» معتقد است با عنایت به این آیه (و هو معکم أين ما کنتم) روشن می شود که خدا دور اما نزدیک است. دور، نه به معنای فاصله شناخته شده، بلکه به معنای تمایز نور از ماده و نیز به معنای تنزیه مطلق.

او نزدیک است، زیرا او مبدأ ماده و جوهر آن است. به همین دلیل، خداوند متعال در جای دیگری فرموده است: «پس به هر کجا که رو کنید، همانجا وجه خداست» [بقره / ۱۱۵]. پس ای کسانی که به دنبال خدا هستید، او را در خود بجویید و او را خواهید یافت. (عربی، ۱۳۸۵ ش: ۲ / ۱۰۶۴) عبدالکریم خطیب معیت را قرب خدا به بندگان تفسیر نمود. (خطیب، ۱۴۲۴ ق: ۱۴ / ۷۴۸) البته نباید معیت به معنی قرب را مکانی و یا زمانی و به طور کلی کیفی بدانیم، زیرا کیف از اعراض است و خدا عرض نمی پذیرد؛ بلکه این قرب نوعی از قرب وجودی خدا به بندگان خود است. پانی پتی می گوید: (وَهُوَ مَعَكُمْ معیه غیر متکیفه اَیْنَمَا كُنْتُمْ فان نسبه جمیع الامکنه الی الله تعالی علی السواء). (پانی پتی، ۱۴۱۲ ق: ۹ / ۱۸۸)

#### ۴-۲. تأویل معیت به فعلیت الهی برای ممکنات

معیت یعنی خدا فعلیت همه اشیاست. فعلیت اشیا بدین معنی است که موجودات بعد از ظهورشان در عرصه عوالم وجود، مطابق همان مرتبه از عالم دارای آثاری متناسب با جهان باشند. مثلاً فعلیت موجود ماده در ظهور آثار مادی از آن وجود است و فعلیت موجود مجرد در ظهور آثار مثالی، خیالی و یا عقلی از آن موجود است. در تفسیر «بیان السعاده فی مقامات العباده» آمده است خدای تعالی با وجود فعلی اش همه‌ی اشیاست و قوام و فعلیت اشیا و اول و آخر و ظاهر و باطن آنهاست، (و تأویل) این آیه (۴ حدید) تهدید و ترغیب است (سلطان علی شاه، ۱۳۲۷ ق: ۱۳ / ۵۶۰)

#### ۴-۳. تأویل معیت به همراهی با ملائکه الهی

فرشتگان موجوداتی مجرد از ماده اما عاقل، با شعور و بنده گرامی خدا (انبیاء / ۲۶) و مطیع فرمان او (انبیاء / ۲۷) هستند و به دلیل نداشتن اراده مستقل هرگز معصیت نمی کنند (همان) و به جهت جسمانی نبودن امکان خوردن و آشامیدن و زاد و ولد ندارند. آنها پیوسته تسلیم خدا هستند و همواره مشغول تسبیح و تقدیس الهی اند (شوری / ۵). البته گاهی نیز به شکل انسان‌ها در می آیند (مریم: ۱۷) همچنین آنها واسطه فیض الهی هستند و مأموریت‌های مختلفی مانند حمل عرش، قبض ارواح و پیام آوری از جانب خدا دارند. بر اساس آنچه گفته شد فرشتگان الهی در قرآن کریم مکرر مورد توجه آیات قرار گرفته اند. در این آیات از ویژگیها، مأموریت‌ها و وظائف فرشتگان سخن به میان آمده است و به انسان بر ایمان به فرشتگان الهی تأکید شده و آن را

همردیف با ایمان به خدا و پیامبران الهی و کتب آسمانی قرار داده است (بقره/ ۲۸۵). این مسئله دلالت بر جایگاه مهم ملائکه الهی در قرآن دارد. در این کتاب آسمانی فرشتگان دارای ویژگی هایی هستند که به برخی از آنها اشاره می‌گردد: فرمان بردار خدا و دور از معصیت ﴿لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ﴾ (انبیاء/ ۲۷)، مدبّرات امر (نازعات/ ۵) و امداد گران الهی به مؤمنان در جنگها (احزاب/ ۹). فرشتگان الهی نه می‌خوابند، نه سست و غافل می‌شوند، و نه عقلشان گرفتار سهو و نسیان می‌شود. (مجلسی، بحار الانوار: ۵۹/ ۱۷۵) بنابراین با توجه به ماهیت و کارکرد فرشتگان برخی از مفسرین مانند نویسنده کتاب «المتشابه القرآن» معیت در آیه ۴ سوره حدید را تأویل برده و آن را همراهی ملائکه می‌دانند که همواره اعمال بندگان را می‌نویسند و اقوالشان را شمارش می‌نمایند: ﴿وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ؛ یعنی ملائکته معکم تکتب أعمالکم و تحصي علیکم أقوالکم و هو یراکم و یسمعکم و لا یخفی علیه شیء من أعمالکم﴾. (حلی، ۱۴۳۵ق: ۱/ ۵۵۱)

#### ۴-۴. تأویل معیت به همراهی مظاهر الهی با بندگان

به نظر می‌رسد «مظاهر الهی» به معنای تجلیات خداوند، یا افرادی که تجلیات و صفات الهی را در خود متجلی می‌کنند، می‌باشد. این مظاهر، اعم از انبیاء الهی ﷺ، ائمه اطهار علیهم السلام و یا حتی برخی از صالحین هستند که با اخلاق، رفتار و کردار خود، صفات الهی مانند رحمت، علم، قدرت و عدالت را در خود نمایان می‌کنند. در واقع مظاهر الهی نیز مانند آینه‌هایی هستند که نور و صفات خداوند را به بهترین شکل انعکاس می‌بخشند. البته این بدان معنا نیست که خداوند از مقام خود تنزل کرده باشد، بلکه فقط رحمت، فیض، صفات و اسماء او در این آیینه‌ها و انسان‌های کامل تجلی می‌نمایند. بنابراین مظاهر الهی، مریبان و راهنمایی برای بشر هستند که راه سعادت و قرب به خداوند را نشان می‌دهند. (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: مجله اسراء، شماره ۴)

صاحب کتاب «تفسیر الجیلانی» معیت را به همراهی مظاهر الهی با بندگان تأویل می‌برد و معتقد است «بالجملة هو سبحانه بذاته معکم، أیتها المظاهر؛ أین ما کُنْتُمْ لامعیه ذاتیه و لازمانیه، و لا بطریق المقارنه و المخالطه، و لا بطریق الحلول و الاتحاد، بل بطریق الظهور و الظلیه، و الحضور و رشّ النور و بالجملة الله المحیط بکم المظهر لأشباحکم بمدّ ظلّه علیکم». یعنی «خدای سبحان در ذاتش با شماست، ای مظاهر الهی!، در هر کجا که باشید، نه در همراهی ذاتی و زمانی، نه از طریق مقایسه و اختلاط، و نه به صورت تجسم و اتحاد، بلکه به

صورت ظاهر، سایه و حضور. بنابراین خداست که شما را احاطه کرده و شبح های شما را با گستردن سایه خود بر شما آشکار می سازد». (جیلانی، ۱۴۳۰ق: ۶/۷) ابن عربی نیز خدا را همواره به دلیل اینکه اصل و مبدأ وجود انسان ها و ظهور یافته در مظاهر و متجلی در آنهاست، با بندگان همراه می داند و می گوید: «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ لَوْ جُودَكُمْ بِهِ وَظَهْرَهُ فِي مَظَاهِرِكُمْ». (ابن عربی، ۱۴۲۲ق: ۲/۳۱۷) از نظر وی تجلی از او همیشه به همه چیز حاصل می شود، زیرا او نور است و نور در حقیقت خود، تجلی و ظهور بر فضاها و مظاهر است. حضور او با اشیاء همانند حضور جسم با بدن، یا جسم، یا حادث با حادثه نیست. خلاصه آنکه حضورش نه در مقام و مکان، نه در زمان و لحظه، نه در مکان و حالت، نه در کنش و عکس العمل، و نه در حرکت و گذار است؛ زیرا او بالاتر از این اوصاف، تشبیهات و مصادیق است؛ بلکه حضور او نوع دیگری از حضور است که ماهیت آن معلوم نیست. در حدیث نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است که حق تعالی همه چیز را از عظمت خود پر کرده است به طوری که هیچ زمین، آسمان، دریا، خشکی و هوایی بدون او نیست. او اولین کسی است که قبل از او چیزی نبود. او آخرین کسی است که پس از او چیزی نیست. و در احادیث قرب نوافل این معانی و مفاهیم بسیار است؛ همانطور که حق تعالی به موسی ع فرمود: من پشت سر شما و در مقابل شما، در سمت راست و در سمت چپ شما هستم؛ من با کسی هستم که مرا یاد کند و اگر مرا بخواند با او هستم. (ملاصدرا، ۱۳۶۶ش: ۶/۱۵۷) خلاصه اینکه هیچ ذره ای در عالم از نور حق، تجلی و ظهور آن خالی نیست، اما دستیابی به این معرفت و رسیدن به این تجلی، اکسیر سرخی است که از دریای عمیق قرآن بیرون آمده است.

#### ۴-۵. تأویل معیت به بایگانی اعمال نزد خدا

صاحب کتاب «تفسیر کاشف» در تأویل آیه «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» می گوید: خداوند به همه ستمگران و سرکشان هشدار می دهد که اعمال آنها در نزد خدا بایگانی می شود و او آنها را به خاطر این اعمال، مورد حسابرسی دقیق و سختی قرار خواهد داد و با عذابی سخت و دردناک، مجازاتشان خواهد کرد (مغنیه، ۱۳۸۶ش: ۷/۴۰۰) شاید مراد از بایگانی همان لوح محفوظ باشد. در متون دینی، لوح محفوظ به جایگاه یا مرتبه ای از وجود اشاره دارد که تمام مقدرات و سرنوشت ها در آن ثبت و ضبط شده و از هرگونه تغییر و تحریفی مصون است. (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۲/۱۳۲) همچنین به گفته برخی از مفسران شیعه، در این لوح همه اتفاقات مربوط به انسان ها که قطعاً رخ خواهند داد،

ثبت شده است. (سبحانی، ۱۴۴۰ق: ۱۴۴) در مقابل لوح محفوظ، لوح دیگری به نام لوح محو و اثبات، وجود دارد که حوادث عالم در آن به صورت قطعی نوشته نشده و قابل تغییر است. (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۲/ ۱۳۲)

### ۵. تأویل معیت به تمثیل، کنایه و مجاز

در زبان و ادبیات فارسی و نیز عربی، تمثیل، کنایه و مجاز هر سه از انواع بیان غیرمستقیم اهداف و انگیزه‌ها هستند، اما در جزئیات با هم تفاوت دارند. در این ادبیات تمثیل، کنایه و مجاز از آرایه‌های ادبی هستند که هر کدام به نوعی با انتقال معنای غیرحقیقی یا مجازی یک کلمه یا عبارت سروکار دارند، اما تفاوت‌های ظریفی در چگونگی این انتقال معنا وجود دارد. تمثیل برای انتقال یک مفهوم کلی استفاده می‌شود. کنایه یک عبارت یا جمله است که یک معنای غیرمستقیم و غالباً پنهان را می‌رساند که با توجه به شرایط و بافت جمله قابل درک است. مجاز نیز کاربرد یک کلمه یا عبارت در معنای غیرحقیقی آن است، به شرط وجود علاقه و قرینه‌ای که این ارتباط مجازی را مشخص کند. (سید رضا حسینی، ۱۳۷۸ش: ۱۳۴) برخی از مفسرین اهل سنت تأویل بعیدی از «معیت» در آیه دارند که نوعی از کنایه می‌باشد و بر آن تأکید می‌ورزند و معتقدند که معیت به معنی همراهی با نصر و کمک نسبت به مومنین و همراهی با انتقام نسبت به معاندین خدا تأویل برده می‌شود. بر این اساس می‌نویسد: «وَهُوَ مَعَكُمْ يَتَوَجَّهَ الْمَعْنَى فِيهِ لِاخْتِلَافِ الْأَحْوَالِ؛ يَقُولُ: إِنَّ كُنْتُمْ مُحِبِّينَ لَهُ، خَاضِعِينَ مَطِيعِينَ، فَهُوَ مَعَكُمْ بِالنَّصْرِ لَكُمْ وَالْمَعُونَةَ عَلَى أَعْدَائِكُمْ، وَإِنْ كُنْتُمْ مُعْرِضِينَ عَنْهُ مَعَانِدِينَ فَهُوَ مَعَكُمْ بِالْمَعُونَةِ عَلَيْكُمْ، وَالْإِنْتِقَامَ مِنْكُمْ». (ماتریدی، ۱۴۲۶ق: ۹/ ۵۱۳)

برخی هم معیت را نوعی تأویل تمثیلی دانسته‌اند و معتقدند معیت و همراهی خدا با بندگان گونه‌ای از تمثیل برای احاطه علمی و قدرت و فضل و رحمت خدا به بندگان است. می‌گوید: «هُوَ مَعَكُمْ أَيَّنَ مَا كُنْتُمْ بِالْعِلْمِ وَالْقُدْرَةِ وَالْفَضْلِ وَالرَّحْمَةِ وَهُوَ تَمَثِيلٌ لِإِحَاطَةِ عِلْمِهِ تَعَالَى بِهِمْ، أَيْنَمَا دَارُوا، وَحَيْثَمَا سَارُوا». (منصوری، ۱۴۱۷ق: ۵/ ۱۸۸) طنطاوی نیز می‌گوید: «گفته شده که «معیت» مجاز و استعاره‌ای است برای علم (خدا به اعمال بندگان) با رابطه‌ی سببی (میان عالم و معلوم)، و شاهد آن سیاق و ملحقات ذیل آن است، اگرچه حقیقت غیرممکن است. سلف این آیه را اینگونه تفسیر کرده‌اند. (طنطاوی، ۱۹۹۷م: ۱۴/ ۱۹۹)

به نظر می‌رسد مبنای همه مفسران در این پژوهش این باشد که خدا جسم

نیست و مکان، زمان و محدودیت ندارد، همانطور که از اصول قرآنی و روایی این حقیقت برمی آید. بنابر این در تفسیر آیه «و هو معکم این ما کنتم» مفسران «معیت» را به قرب مکانی و یا همراهی محدود به جسم و زمان و یا اوصاف مربوط به امور مادی نگرفتند، بلکه هر یک به تأویلی روی آوردند که هر کدام به جنبه ای از اوصاف و افعال الهی اشاره دارد. اما با دقت در این تأویلات و نیز توجه به معرفت همه جوانب اوصاف و افعال الهی می توان به احاطه کلی و وجودی خدا بر عوالم هستی و به ویژه بندگان پی برد؛ پس معیت هم می تواند قیومیه باشد، چون خدا قیوم علی الاطلاق است و هم احاطه ذاتی و وجودی بر بندگان و کل عالم داشته باشد که به صورت تدبیر و همراهی ملائکه و مظاهر الهی و یا به نحو بایگانی اعمال بندگان در لوح محفوظ و نیز به شیوه لطف و رحمت عام و خاص پروردگار جلوه گر می شود. بر اساس آنچه که گفته شد معیت الهی با بندگان، نوعی کنایه، تمثیل و مجاز نیست، بلکه حقیقتی جامع از همه اوصاف و افعال الهی در ارتباط با بندگان می باشد.

### نتیجه

تأویل آیات قرآن امری ضروری در فهم آیات است و اجتناب از آن ممکن است مخاطبین را در ورطه انحراف از معانی و تفاسیر آیات بیافکند. توجه به معانی حقیقی و باطنی آیات که به نوعی تأویل گفته می شود در عده ای از آیات به چشم می خورد. به اتفاق همه مفسران آیه (۴ سوره حدید) دارای تأویل است. مفسران جهان اسلام برای این آیه دیدگاه های متعددی بیان کردند که در ادامه بدان اشاره می گردد:

#### الف) تأویل معیت به احاطه ذاتی

دیدگاه اول: معیت در این آیه به احاطه ذات بر ممکنات تأویل برده می شود. خدا با علم و قدرت خود به ممکنات احاطه دارد و چون صفات الهی عین ذات است پس خدا احاطه ذاتی بر ممکنات خواهد داشت. این دیدگاه می تواند بهترین دیدگاه باشد.

دیدگاه دوم: احاطه ذاتی به معنای معیت وجودی. حیثیات وجودی ممکنات از حیث وجودی خدا ناشی شود.

دیدگاه سوم: معیت الهی با بندگان به دلیل توفیق و برتری خدا بر ممکنات است. ب) تأویل معیت به صفات الهی

دیدگاه اول: تأویل به قیومیت الهی. خدای قیوم به ذات خود متکی است و وابسته به موجودی نیست بلکه همه موجودات به او وابسته هستند.

دیدگاه دوم: تأویل معیت به احاطه با قدرت و نصرت. قادر و ناصر مطلق خداست و تمام ممکنات و حوادث از مجرای قدرت، سلطه و نصرت الهی می‌گذرد.

دیدگاه سوم: تأویل معیت به لطف و رحمت الهی. بدان معنی که انواع رحمت الهی شامل بندگان می‌گردد.

دیدگاه چهارم: تأویل معیت به علم الهی. علم الهی نامحدود و عین معلول است پس علت احاطه علمی به موجودات و ممکنات دارد.

ج) تأویل معیت به افعال الهی

دیدگاه اول: تأویل معیت به قرب الهی. خدا به بندگان خود قرب وجودی دارد و نه قرب مکانی و زمانی و انسان می‌تواند بر اثر مجاهدت‌ها به خداوند نزدیک‌تر گردد.

دیدگاه دوم: تأویل معیت به فعلیت الهی برای ممکنات، یعنی فعلیت همه ممکنات به وجود خداست و خداوند در ممکنات ظهور یافته است.

دیدگاه سوم: تأویل معیت به همراهی با ملائکه الهی از نظر آیات مختلف قرآن فرشتگان همراه با بندگان خدا هستند البته بر اساس وظایفی که خدا برای آنها تعیین نموده است.

د) تأویل معیت به تمثیل، کنایه و مجاز بر اساس این دیدگاه نصرت خدا به بندگان و انتقام او از متجاوزین و ظالمن به کنایه و تمثیل و مجاز معیت تأویل برده می‌شود.

## منابع

### قرآن کریم

- ابن عربی، محمد بن علی (۱۴۲۲ ق): «تفسیر ابن عربی»، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن جزی، محمد بن احمد (بی تا): «التسهیل لعلوم التنزیل»، بیروت: نشر دار الایم بن ابی ارقم.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (بی تا): «متشابه القرآن و مختلفه»، جلد ۱، قم: نشر بیدار.
- ابن عجبیه، احمد (۲۰۱۰ م): «البحر الممدید فی تفسیر القرآن المجید»، بیروت: نشر دارالکتب العلمیه.
- ابوحیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ ق): «البحر المحیط فی التفسیر»، بیروت: نشر دارالفکر.
- احدی، علی بن احمد (۱۴۲۰ ق): «التفسیر البسیط»، عربستان: نشر المملکه السعودیه العربیه وزاره التعلیم العالی جامعه الامام محمد بن سعود الاسلامیه.
- الباده، میرچاه (۲۰۰۵ م): «دائرة المعارف دین»، تهران.
- امین اصفهانی (۱۳۶۲ ش): «مخزن العرفان در تفسیر قرآن»، اصفهان: نشر انجمن حمایت از خانواده های بی سرپرست.
- آل غازی، عبدالقادر (۱۳۲۸ ش): «بیان المعانی علی حسب ترتیب النزول»، دمشق: نشر مطبعه الترقی.
- پانی پتی، ثناء الله (۱۴۱۲ ق)، «التفسیر المظهری»، کویت: نشر مکتبه رشیدیہ پاکستان.
- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ ق): «الکشف والبیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الثعلبی)»، بیروت: نشر دار احیاء التراث العربیه.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ ش): «مجله الکترونیکی اسراء»، شماره ۴.
- جیلانی، عبدالقادر بن ابی صالح (۱۴۳۰ ق، ۱۳۸۸ ش): «تفسیر الجیلانی»، استانبول: نشر مرکز جیلانی لبحوث العلمیه.
- حسینی همدانی، محمد (۱۳۸۰): «انوار درخشان در تفسیر قرآن»، تهران: نشر لطفی.
- حسینی، سید رضا (۱۳۷۸ ش): «آرایه های ادبی»، تهران: نشر کتابراه.
- حلی، محمد علی حسن (۱۴۳۵ ق): «المتشابه من القرآن»، بیروت: نشر عماد عزیز.
- حوی، سعید (۱۴۲۴ ق): «الأساس فی التفسیر»، جلد ۱۰، قاهره: نشر دارالسلام.
- خطیب، عبدالکریم (۱۴۲۴ ق): «التفسیر القرآنی للقرآن»، بیروت: نشر دار الفکر العربی.
- زحیلی، وهبه (۱۴۱۸ ق): «التفسیر المنیر فی العقیده والشریعة والمنهج»، بیروت: نشر دار الفکر المعاصر، بیروت.
- سبحانی، جعفر (۱۳۷۲ ش): «مجله مکتب اسلام»، شماره ۱۲، سرگذشت پیامبران در عهدین و قرآن.
- سبحانی، جعفر (۱۴۴۰ ق): «مع الشیعه الامامیه فی عقائدهم»، قم: نشر موسسه امام صادق (ع).
- سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر (۱۳۲۷ ق): «ترجمه تفسیر شریف بیان السعاده فی مقامات العباد»، ترجمه حشمت الله ریاضی، تهران: نشر وزارت فرهنگ.
- سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر (۱۴۰۸ ق): «بیان السعاده فی مقامات العباد»، بیروت: ناشر موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۱۶ ق): «تفسیر الجلالین»، بیروت: نشر موسسه النور للمطبوعات.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ ق): «الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور»، قم: نشر مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
- شنقیطی، محمدامین (۱۴۲۷ ق): «أضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن»، بیروت: نشر دارالکتب العلمیه.
- شیرازی (ملاصدرا)، محمد ابراهیم (بی تا): «الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه العقلیه»، قم: نشر مکتب مصطفوی.
- شیرازی (ملاصدرا)، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۶ ش): «تفسیر القرآن الکریم»، قم: نشر بیدار.
- صابونی، محمد علی (۱۴۲۸ ق): «الإبداع البیانی فی القرآن العظیم»، لبنان، صیدا: نشر المکتبه العصیریة.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۷۷ ش): «البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن»، قم: نشر مکتبه محمد الصادقی التهرانی.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ ق): «الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه»، بیروت: نشر موسس الاعلمی للمطبوعات.

صالح، بهجت عبدالواحد (بی تا): «الإعراب المفصل لكتاب الله المرثل»، اردن: نشر دار الفكر. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۹۳ش): «المیزان فی تفسیر القرآن»، قم: موسسه الاعلمی للمطبوعات. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۰۲ق): «ترجمه تفسیر المیزان»، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.

طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق): «المیزان فی تفسیر القرآن»، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.

طباطبائی، محمد حسین (۱۳۷۸ش): «المیزان فی تفسیر القرآن»، مترجم محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ق و ۱۳۶۷ش): «مجمع البیان»، بیروت: نشر دارالمعرفه.

طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۵ق): «التفسیر»، بیروت: دارالعلم.

طبری، محمد بن جریر (۱۴۲۲ق): «جامع البیان عن تاویل آی القرآن (تفسیر الطبری)»، جلد ۲۲، قم: نشر هجر.

طنطاوی، محمد سید (۱۹۹۷م): «التفسیر الوسیط للقرآن الکریم»، مصر: نشر نهضة مصری.

طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۳ق): «التبیان فی تفسیر القرآن»، به کوشش احمد حبیب قصیر عامل، بیروت: نشر معهد امیرالمومنین

طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۶ق): «التبیان فی تفسیر القرآن»، بیروت: نشر دار احیاء التراث العربیه.

عربی، محمد غازی (۱۴۲۶ق): «التفسیر الصوفی الفلسفی للقرآن الکریم»، بیروت: نشر دارالبشائر الاسلامیه. غزالی، ابو حامد (۱۳۸۱ش): «فیصل التفرقه بین الاسلام و الزندقه»، بیروت: دار احیاء الکتب العربیه.

فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق): «التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)»، بیروت: دار احیاء التراث العربیه.

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۳۷۳ش): «تفسیر الصافی»، تهران: نشر مکتبه الصدر.

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۸ق): «الأصفی فی تفسیر القرآن»، قم: نشر مکتب الاعلام الاسلامی.

قاسمی، جمال الدین (۱۴۱۸ق): «تفسیر القاسمی (محاسن التأویل)»، لبنان: نشر دارالکتب العلمیه.

قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا (۱۴۱۱ق): «تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب»، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: نشر سازمان چاپ و انتشارات.

کاشانی، فتح الله بن شکرالله (۱۳۳۶ش): «تفسیر کبیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین»، تهران: نشر کتابفروشی و چاپخانه محمد حسن علمی.

ماتریدی، محمد بن محمد (۱۴۲۶ق): «تأویلات أهل السنة»، بیروت: نشر دارالکتب العلمیه.

متقی هندی (علاء الدین علی بن حسام) (۱۴۳۱ق): «کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال»، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مجلسی، محمد باقر (۱۳۱۵ش): «بحار الانوار»، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۴ق): «مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول ﷺ»، تهران: نشر دار الکتب الإسلامیه.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۴ق): «مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول ﷺ»، تهران: نشر دار الکتب الإسلامیه.

مغراوی، محمد (۱۴۳۵ق) «التدبر و البیان فی تفسیر القرآن بصحیح السنن»، لبنان: نشر بی نا.

مغنیه، محمد جواد (۱۳۸۶ش): «تفسیر الکاشف»، جلد ۷، مترجم موسی دانش، قم: نشر بوستان کتاب مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق): «التفسیر الکاشف»، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش): «تفسیر نمونه»، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.

منصوری، مصطفی حسنی (۱۴۱۷ق): «المقتطف من عیون التفسیر»، سوریه، دمشق: نشر دارالقلم.

## Resources

### Holy Quran

- Ibn Arabi, Muhammad Ibn Ali (1422 AH): "Tafseer Ibn Arabi", Volume 2, Beirut: Dar Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
- Abenjazi, Muhammad bin Ahmad (Bita): "Al-Tasheil Uloom al-Tanzil", volume 2, Beirut: Dar al-Arqam bin Abi Arqam.
- Ibnshahr Ashub, Muhammad Bin Ali (Baita): "Similar to the Qur'an and Different", Volume 1, Qom: Bidar Publishing.
- Ibn Ajibah, Ahmad (2010): "Al-Bahr Al-Madid fi Tafsir al-Qur'an al-Majid", volume 7, Beirut: Darul Kitab al-Alamiya Publishing House.
- Abuhian, Muhammad bin Yusuf (1420 AH): "Al-Bahr al-Muhait fi al-Tafseer", volume 10, Beirut: Dar al-Fikr publication.
- Ahadi, Ali bin Ahmad (1430 AH): "Al-Tafsir Al-Basit", Volume 21, Saudi Arabia: Saudi Arabia Ministry of Higher Education and Imam Muhammad bin Saud Islamic University.
- Al-Iyadah, Mirchah (2005 AH): "Encyclopedia of Religion", Volume 14, Tehran.
- Amin Isfahani (1362 AH): "Makhzen Al-Irfan in the Interpretation of the Quran", Volume 13, Isfahan: Association for the Support of Orphaned Families.
- Al-Ghazi, Abdul Qadir (1382 AH): "Bayan Al-Ma'ani Ali Hasb Sardun Al-Nuzul", Volume 3, Damascus: Al-Tarqi Press.
- Panipati, Sanaullah (1412 AH), "Tafsir Al-Muzhari", Volume 9, Kuwait: Maktaba Rashidiyyah Pakistan.
- Tha'labi, Ahmad bin Muhammad (1422 AH): "Al-Kashf and Al-Bayan in the Interpretation of the Quran (Tafsir Al-Tha'labi)", Volume 9, Beirut: Dar Ihya'a Al-Turaht Al-Arabiya.
- Javadi Amoli, Abdullah (1388): "Electronic Magazine of Isra", No. 4.
- Jilani, Abdul Qadir bin Abisalih (1430 AH, 1388 AH): "Tafsir al-Jilani", Volume 6, Istanbul: Jilani Center for Scientific Research Publications.
- Hosseini Hamadani, Muhammad (1380): "Bright Lights in the Interpretation of the Quran", Volume 16, Tehran: Lotfi Publications.
- Hosseini, Seyyed Reza (1378 AH): "Literary Arrangements", Tehran: Ketabrah Publications.
- Heli, Muhammad Ali Hassan (1435 AH): "The Similar from the Quran", Volume 1, Beirut: Imad Aziz Publications.
- Hawi, Saeed (1424 AH): "The Basis of Interpretation", Volume 10, Cairo: Dar al-Salam Publications.
- Khatib, Abdul Karim (1424 AH): "Tafsir al-Qurani Il Qur'an", Volume 14, Beirut: Dar al-Fikr al-Arabi Publications.
- Zaheili, Wahba (1418 AH): "Al-Tafsir al-Munir fi al-Aqeedah wa Al-Sharia wa al-Manhaj", volume 27, Beirut: Dar al-Fikr al-Mawdeen, Beirut.
- Subhani, Jafar (1372): "Magazine of the School of Islam", No. 12, The Story of the Prophets in the Two Testaments and the Quran.
- Subhani, Jafar (1440 AH): "With the Imami Shiites in Their Beliefs", Qom: Imam Sadiq (AS) Institute Publication.
- Sultan Ali Shah, Sultan Muhammad bin Haidar (1327 AH): "Translation of the Holy Tafsir Bayan al-Saadah fi Maqamat al-Ibadah", Volume 13, Translated by Heshmatullah Raazi, Tehran: Ministry of Culture Publication.
- Sultan Ali Shah, Sultan Muhammad bin Haidar (1408 AH): "Bayan al-Saadah fi Maqamat al-Ibadah", Volume 4, Beirut: Al-Alami Institute for Publications Publisher.
- Suyuti, Jalal al-Din (1416 AH): "Tafsir al-Jalalin", Volume 1, Beirut: Al-Nur Insti-

- tute for Publications Publisher.
- Suyuti, Abd al-Rahman ibn Abi Bakr (1404 AH): “Al-Dur al-Manthur fi tafsir bal-Mathur”, vol. 6, Qom: Publishing of the Grand Ayatollah al-Mar’ashi al-Najafi’s School.
- Shanqiti, Muhammad Amin (1427 AH): “Adwaa al-Bayan fi Idhah al-Quran bal-Quran”, vol. 7, Beirut: Publishing of the Dar al-Kutb al-Ilmiyah.
- Shirazi (Mala Sadra), Muhammad Ibrahim (B.I.T.A): “Al-Hikmah al-Mutawaliyyah fi al-Asfar al-Arba’ah al-Aqliyyah”, Qom: Publishing of the Mustafawi School.
- Shirazi (Mala Sadra), Muhammad ibn Ibrahim (1366 AH): “Tafsir al-Quran al-Karim”, 6, Qom: Publishing of the Bidar School.
- Sabuni, Muhammad Ali (1428 AH): “Al-Ibdaa al-Bayan fi al-Quran al-Azim”, vol. 1, Lebanon, Saida: Publishing of the Asiriyyah School.
- Sadeghi Tehrani, Muhammad (1377): “Al-Balagh fi Tafsir al-Quran bi-Quran”, vol. 1, Qom: Publishing House of Muhammad al-Sadeghi Tehrani.
- Sadeghi Tehrani, Muhammad (1406 AH): “Al-Furqan fi Tafsir al-Quran bi-Quran va-Sunnah”, vol. 28, Beirut: Publishing House of Al-Alami Publications.
- Saleh, Bahjat Abdul Wahid (BTA): “Al-A’rab al-Mufasl liktab Allah al-Murtartal”, vol. 11, Jordan: Publishing House of Dar al-Fikr.
- Tabataba’i, Seyyed Muhammad Hossein (1393 AH): “Al-Mizan fi Tafsir al-Quran”, vol. 6, Qom: Publishing House of Al-Alami Publications.
- Tabataba’i, Seyyed Muhammad Hossein (1402 AH): “Translation of Tafsir al-Mizan”, vol. 20, 5th edition, Qom: Islamic Publishing House of Jamia al-Modaresin.
- Tabatabaei, Sayyid Muhammad Hussein (1417 AH): “Al-Mizan fi Tafsir al-Quran”, Volume 7, Fifth Edition, Qom: Islamic Publications Office of the Teachers’ Association.
- Tabatabaei, Muhammad Hussein (1378 AH): “Al-Mizan fi Tafsir al-Quran”, Volume 19, Translated by Muhammad Baqir Mousavi Hamadani, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Teachers’ Association of the Qom Seminary.
- Tabarsi, Fadl ibn Hassan (1408 AH and 1367 AH): “Majma al-Bayan”, Volume 9, Beirut: Dar al-Marfa Publishing House.
- Tabari, Muhammad ibn Jarir (1405 AH): “Tafsir”, Beirut: Dar al-Ilm.
- Tabari, Muhammad bin Jarir (1422 AH): “Jamae al-Bayan an Tawil Ai al-Qur’an (Tafsir al-Tabari)”, volume 22, Qom: Hijr Publishing.
- Tantawi, Mohammad Seyed (1997): “Al-Tafsir al-Wasit for the Holy Qur’an”, volume 14, Egypt: Nahda Masri Publishing House.
- Tousi, Muhammad bin Hassan (1383 A.H.): “Altabyan fi Tafsir al-Qur’an”, Volume 2, edited by Ahmad Habib Qusayr Amel, Beirut: Publishing House of Amir al-Momineen (A.S.).
- Tusi, Muhammad bin Hassan (1386 AH): “Education in Tafsir al-Qur’an”, volume 9, Beirut: Ahyia Al-Tarath al-Arabiya Publishing House.
- Arabi, Muhammad Ghazi (1426 AH): “The Sufi Philosophical Commentary of the Holy Qur’an”, Volume 2, Beirut: Dar al-Bashair al-Islamiya Publishing House.
- Al-Ghazali, Abu Hamid (1381): “The Cause of the Difference Between Islam and Heresy”, Beirut: Dar Ihyaa Al-Kutb Al-Arabiya.
- Fakhr Al-Razi, Muhammad ibn Omar (1420): “The Great Interpretation (Keys to the Unseen)”, Volume 29: Beirut Dar Ihyaa Al-Turat Al-Arabiya.
- Fayz Kashani, Muhammad ibn Shah Murtaza (1373): “The Interpretation of Al-Safi”, Volume 5, Tehran: Publishing Maktaba Al-Sadr.

- Fayz Kashani, Muhammad ibn Shah Murtaza (1418): “Al-Asfi in the Interpretation of the Qur’an”, Volume 2, Qom: Publishing Maktaba Al-Ilam Al-Islamiya.
- Qasimi, Jamal al-Din (1418): “The Interpretation of Al-Qasimi (The Virtues of Interpretation)”, Volume 9, Lebanon: Publishing Dar Al-Kutb Al-Ilamiya.
- Qomi Mashhadi, Muhammad bin Muhammad Reza (1411 AH): “The Treasure of Minutes and the Sea of Wonders”, published by the Ministry of Culture and Islamic Guidance, Volume 13, Tehran: Publishing Organization of Printing and Publications.
- Kashani, Fathullah bin Shukrallah (1336 AH): “The Great Interpretation of the Method of the Truthful in Obligation of the Opposites”, Volume 9, Tehran: Publishing of the Bookstore and Printing House of Muhammad Hassan Elmi.
- Matridi, Muhammad bin Muhammad (1426 AH): “Interpretations of the People of the Sunnah”, Volume 9, Beirut: Publishing of the Dar al-Kutb al-Ilmiyah.
- Muttaqi Hindi (Ala al-Din Ali bin Hussam) (1431 AH): “The Treasure of the Workers in the Sunnah of Words and Actions”, Beirut: Publishing of the Dar al-Ihya’a al-Turaht al-Arab.
- Majlisi, Muhammad Baqir (1315 AH): “Bihar al-Anwar”, Tehran: Publishing of the Dar al-Kutb al-Islamiyah.
- Majlisi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi (1404 AH): “The Mirror of the Minds in the Explanation of the Stories of the Prophet’s Family (PBUH)”, Tehran: Dar al-Kutb al-Islamiyya Publishing House.
- Majlisi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi (1404 AH): “The Mirror of the Minds in the Explanation of the Stories of the Prophet’s Family (PBUH)”, Tehran: Dar al-Kutb al-Islamiyya Publishing House.
- Maghrawi, Muhammad (1435 AH) “Reflection and Explanation in the Interpretation of the Qur’an with the Sahih Sunan”, Volume 34, Lebanon: Bina Publishing House.
- Mughniyeh, Muhammad Jawad (1386 AH): “Tafsir al-Kashif”, Volume 7, translated by Musa Danesh, Qom: Buṣṭān Publishing House, the Printing and Publishing Office of the Islamic Seminary.
- Mughniyeh, Mohammad Javad (1424 AH): “Al-Tafsir al-Kashif”, Volume 7, Tehran: Dar al-Kutb al-Islamiyya Publishing House.
- Makarem Shirazi, Nasser (1374 AH): “Tafsir al-Numne”, Volume 23, Tehran: Dar al-Kutb al-Islamiyya Publishing House.
- Mansouri, Muṣṭafa Hasni (1417 AH): “Al-Muktafat min ‘Uyun al-Tafsir”, Volume 5, Syria, Damascus: Dar al-Qalam Publishing Hous